Application of Theory of Planned Behavior in Predicting of effective Factors on heterosexual relationship in girls Adolescence of Birjand city

Narges Sarzehi[1], Mitra Moodi[2], Gholamreza Sharifzadeh[1]

Background and Aim: Puberty is one of the most critical periods in life that makes individual to feel and behave in a different way. One of the major issues faced young people is the conflict between spiritual values, customary and familiar to the freedom or non-freedom of heterosexual relationships and how to deal with it. Therefore, this study aimed to determine Predicting Factors heterosexual relationship in girls Adolescence of Birjand city.

Materials and Methods: In this descriptive analytical study, samples were collected from girl students in high schools in different regions of Birjand in 2015. The survey was carried out via simple random sampling of 395 students. Data were collected by the validated and reliable questionnaire based on theory of planned behavior. The gathered data were analyzed using SPSS20 and descriptive statistical tests and Pearson correlation, logistic regression, t- test and ANOVA tests in significant level less than 0.05...

Results: Among the adolescents participating in this study 43.9% with an average duration was about 15±7 months. Logistic regression analysis showed that attitudes (P≤0.001), intention (P≤0.001), mother's occupation (p=0.03), family size (p=0.01), birth (p=0.03) and the satellite programs watching (p=0.01) strong predictor for the heterosexual relationship individuals were studied.

Conclusion: According to the results of this study showed that the attitude and intention for the relationship with the opposite sex were strong predictors. So the theory of planned behavior can be used as an effective method for planning and intervention to prevent heterosexual relationship.

Key Words: Adolescents, Theory of Planned Behavior, Heterosexual Relationship, Intention

Journal of Birjand University of Medical Sciences. 2016; 23 (4): 325-333.

Received: January 29, 2016 ***Accepted: June 12, 2016***

[1] *Social Determinant of Health Research Center, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran.*

[2] ***Corresponding Author;*** *Social Determinant of Health Research Center, Birjand University of Medical Sciences, Birjand, Iran.*
Email: mitra_m2561@bums.ac.ir *Tel:056 32395340* *Fax:*05632381132

مقاله اصیل پژوهشی

کاربرد مدل رفتار برنامه ریزی شده در پیش بینی عوامل موثر بر رابطه با جنس مخالف در دختران نوجوان شهر بیرجند

نرگس سرزهی[1]، میترا مودی[2]، غلامرضا شریف زاده[1]

چکیده

زمینه و هدف: دوران بلوغ یکی از حساس‌ترین دوره‌های زندگی هر فرد است که باعث می‌شود شخص به طرزی متفاوت احساس و رفتار کند. یکی از مسائل عمده‌ای که نوجوانان با آن مواجه هستند، تعارض ارزش‌های دینی، عرفی و خانوادگی در خصوص آزادی یا عدم آزادی رابطه دختر و پسر و چگونگی مواجهه با آن است. این مطالعه با هدف تعیین عوامل پیش‌بینی کننده رابطه با جنس مخالف در میان نوجوانان شهر بیرجند انجام شد.

روش تحقیق: این مطالعهٔ توصیفی-تحلیلی در بهار سال ۱۳۹۴ بر روی ۳۹۵ دانش‌آموز دختر دوره دوم شهر بیرجند که به روش تصادفی ساده انتخاب شدند، انجام شد. اطلاعات با استفاده از پرسشنامه منطبق با تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده، که روایی و پایایی آن تایید شده بود، جمع‌آوری شد. داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار SPSS (ویرایش ۲۰) و توسط آزمون‌های آماری T-Test مستقل، ضریب همبستگی پیرسون، آنالیز واریانس یک‌طرفه و رگرسیون لجستیک در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ تحلیل گردید.

یافته‌ها: در این مطالعه ۴۳/۹٪ از دختران با میانگین زمانی ۷±۱۵ ماه با جنس مخالف رابطه داشتند. آنالیز رگرسیون لجستیک نشان داد که نگرش (P<۰/۰۰۱)، قصد رفتاری (P<۰/۰۰۱)، شغل مادر (P=۰/۰۳)، بعد خانوار (P=۰/۰۱)، رتبه تولد (P=۰/۰۳) و داشتن ماهواره (P=۰/۰۱) پیش‌بینی کننده‌هایی قوی برای برقراری رابطه با جنس مخالف در افراد مورد مطالعه بودند.

نتیجه‌گیری: با در نظر گرفتن قدرت پیش‌بینی‌کننده نگرش و قصد رفتاری در ایجاد رابطه با جنس مخالف، استفاده از تئوری رفتار برنامه‌ریزی شده می‌تواند برای پیشگیری از رابطه با جنس مخالف در نوجوانان کمک‌کننده باشد.

واژه‌های کلیدی: نوجوانان، رابطه با جنس مخالف، قصد

مجله علمی دانشگاه علوم پزشکی بیرجند. ۱۳۹۵؛ ۲۳ (۴): ۳۲۵-۳۳۳.

دریافت: ۱۳۹۴/۱۱/۰۹ پذیرش: ۱۳۹۵/۰۳/۲۳

[1] مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران.

[2] **نویسنده مسؤول؛** مرکز تحقیقات عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، دانشگاه علوم پزشکی بیرجند، بیرجند، ایران.

آدرس: بیرجند- خیابان غفاری- دانشگاه علوم پزشکی بیرجند- دانشکده بهداشت

تلفن: ۰۵۶۳۲۳۹۵۳۴۰ نمابر: ۰۵۶۳۲۳۸۱۱۳۲ پست الکترونیکی: mitra_m2561@bums.ac.ir

مقدمه

دوران بلوغ و نوجوانی، یکی از حساس‌ترین دوره‌های زندگی هر فرد است که موجب می‌شود شخص به طرزی متفاوت احساس و رفتار کند. در این دوران، زیربنای زندگی بزرگسالی فرد پی‌ریزی شده و بسیاری از مسائل جسمی–روحی و عاطفی ریشه در این دوره زندگی فرد دارد (۱). او باید بتواند بین عرف، ارزش‌های مذهبی و سنتی جامعه و خانواده همزمان با تفکرّات و تمایلات جدیدی که خاص ذهن جستجوگر وی است، هماهنگی ایجاد کند. این مسئله، خود تعارض و تضاد در ایشان را در پی دارد؛ به‌ویژه یکی از مسائل عمده‌ای که نوجوانان و جوانان با آن روبرو هستند، تعارض ارزش‌های دینی، عرفی و خانوادگی آنها در خصوص آزادی یا عدم آزادی رابطه دختر و پسر و چگونگی مواجهه با آن است (۲).

در ایران در دهه‌های اخیر گسترش رابطه دختر و پسر به‌عنوان رفتاری اجتماعی–فرهنگی امری نسبتاً جدید بوده و ابعاد تازه‌ای یافته است که تغییر ارزش‌ها و سبک زندگی نوجوانان و جوانان در به وجود آمدن آن نقشی مهم را ایفا می‌کند. اغلب والدین نیز در این تلاش هستند تا پیوسته راه‌هایی که می‌توان تا زمان ازدواج، این دو را از هم دور نگه داشت را بیابند و در پی آنند که چگونه عمل کنند تا ایشان به‌گونه‌ای نامشروع و به‌دور از عرف جامعه، با هم ارتباط برقرار نکنند؟ علاوه بر این، اگرچه هم پسران و هم دختران ممکن است در این‌گونه روابط به هم آسیب وارد کنند، شیوع این کار از جانب پسران بر ضدّ دختران شدیدتر است؛ به همین دلیل، این موضوع مورد توجه تمامی ملل بوده و در هر دوره تحت تأثیر نظریه‌پردازان و دانشمندانی چون فروید و ...، شکلی متفاوت به خود گرفته است (۲).

طرح‌های زیادی در کشورهای اروپایی و آمریکایی برای آموزش روابط سالم با عناوین گوناگونی مانند: انتخاب سالم‌تر، انتخاب مغرورانه‌تر، کاهش خطر اجرا و ... صورت گرفته است (۲). مطالعات انجام‌شده در زمینه رابطه با جنس مخالف در ایران، حاکی از شیوع حدود ۲۷ تا ۶۲ درصدی این پدیده در بین قشر نوجوان و جوان اعم از دانش‌آموز و دانشجو بوده است. شیوه‌های فرزندپروری، جهت‌گیری‌های مذهبی و پیوستگی خانواده، تأثیر دوستان و فیلم‌های مستهجن و نقش تسهیل‌گری اینترنت و تلفن همراه در ایجاد فرصت تعامل با جنس مخالف، وضعیت اقتصادی و جایگاه اجتماعی خانواده‌ها و نیز احساس تنهایی اجتماعی–عاطفی، از تعیین‌کننده‌های اصلی در رابطه نوجوانان با جنس مخالف خود، از دوستی ساده تا تماس جنسی هستند (۳–۶). از طرفی در مطالعه زاده‌محمدی، ۶۸٪ دانشجویان بر لزوم گذراندن دوره‌های آموزشی خاص مربوط به روابط با جنس مخالف تأکید داشته (۷) و در مطالعه‌ای دیگر بهترین دوران برای آموزش درخصوص بلوغ و مسائل مربوط به آن را دوره راهنمایی ذکر کردند (۸).

مسلم است که رفتار انسان ناشی از عوامل مختلفی است و آموزش بهداشت نیز به‌عنوان محور اساسی فعالیت‌ها و برنامه‌های بهداشتی، برای اثربخش‌کردن برنامه‌های خود، نیازمند شناخت رفتار و عوامل تأثیرگذار بر آن برای تغییر یا تعدیل رفتارهای موجود و نیز جایگزینی رفتار جدید است. این مهم، نقش مدل‌ها و تئوری‌های مطالعه رفتار در آموزش بهداشت را تعیین می‌کند. بنابراین فرآیند پیشگیری از بروز خطراتی که بلوغ به همراه دارد، نیازمند کاربرد تئوری‌های مختلف در رشته‌های گوناگون و روش‌ها و تکنیک‌های متنوعی است و نیاز به کسب آگاهی از شرایط موجود و شناخت عوامل مؤثّر بر رابطه با جنس مخالف و میزان شیوع آن در جامعه وجود دارد. در همین راستا یکی از مدل‌های پرکاربرد برای برنامه‌ریزی مداخلات مؤثّر نظریه رفتار برنامه‌ریزی‌شده (Theory of Planned Behavior: TPB) می‌باشد که یکی از مدل‌های تغییر رفتار است. این نظریه، الگوی شناختی – اجتماعی انتظار ارزش است که قصد را تعیین‌کننده اصلی رفتار می‌داند. قصد، تحت اثر سه سازه مستقل نگرش، هنجار انتزاعی و کنترل درک‌شده می‌باشد.

نگرش، ارزیابی مثبت یا منفی افراد را از انجام یک رفتار منعکس می‌کند. هنجار انتزاعی نیز اشاره به این امر دارد که فشارهای اجتماعی درک‌شده ممکن است باعث شود فرد رفتار به‌خصوصی را انجام دهد یا از انجام آن سر باز زند. نهایتاً کنترل درک‌شده، سختی یا آسانی تصور شده در خصوص اجرای یک رفتار خاص است و حدس زده می‌شود که به‌طور مستقیم و غیر مستقیم بر رفتار مؤثّر می‌باشد. طبق این نظریه، افراد زمانی انجام رفتاری را مثبت ارزیابی می‌کنند و قصد انجام آن را خواهند کرد که معتقد باشند افراد مهم و بانفوذ فکر کنند که آن رفتار باید انجام شود و هم انجام رفتار تحت کنترل ایشان است. علاوه بر این در این نظریه فرض بر این است که نگرش، هنجار انتزاعی و کنترل درک‌شده به‌وسیله عقاید زیربنایی این سازه‌ها تعیین می‌شوند (۳). طبق بررسی‌های انجام‌شده، مطالعه‌ای بر اساس مدل رفتار برنامه‌ریزی شده و سایر مدل‌های آموزشی در جهت پیش‌گویی فاکتورهای مؤثّر بر رابطه با جنس مخالف و همچنین برنامه مداخله‌ای تئوری محوری در خصوص پیشگیری از رفتارهای پرخطر به‌ویژه رابطه با جنس مخالف در نوجوانان و جوانان ایرانی یافت نشد. بر همین اساس در این مطالعه تلاش شده است تا با به‌کارگیری تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده به‌عنوان چارچوب نظری پژوهش، فاکتورهای پیش‌بینی‌کننده رابطه با جنس مخالف در میان نوجوانان مورد بررسی قرار گیرد. نتایج این پژوهش می‌تواند در برنامه‌ریزی برای پیش‌گیری از رابطه با جنس مخالف در نوجوانان مؤثر باشد.

روش تحقیق

این مطالعه توصیفی- تحلیلی، در سال ۱۳۹۴ در بین دانش‌آموزان دوره دوم متوسطه دختر شهر بیرجند انجام شد. پس از کسب مجوز از اداره کل آموزش و پرورش، با مراجعه به دبیرستان‌های سطح شهر، ۳۹۵ دانش‌آموز به‌صورت تصادفی ساده انتخاب شدند. قابل ذکر است که افراد مورد مطالعه در رابطه با هدف از انجام طرح، محرمانه‌بودن و عدم استفاده ابزاری از اطلاعات، توجیه شده و در صورت تمایل و داشتن رضایت، وارد مطالعه شدند.

ابزار جمع آوری اطلاعات مشتمل بر دو بخش بود. بخش اول ابزار شامل اطلاعات جمعیت‌شناختی و بخش دوم آن شامل پرسشنامه خودساخته بود که بر اساس سازه‌های مدل رفتار برنامه‌ریزی‌شده (با شاخص روایی ۰/۸۶ و پایایی ۰/۸۱) طراحی شده بود. این پرسشنامه در حیطه نگرش شامل ۱۶ سؤال (رابطه با جنس مخالف، اعتماد به نفس بیشتری به من می‌دهد و من خودم را بهتر باور می‌کنم؛ من داشتن رابطه با جنس مخالف را به تبعات خانوادگی و اجتماعی آن ترجیح می‌دهم و ...)، ۹ سؤال در حیطه هنجار انتزاعی (در خانواده ما به‌خصوص با پدرم، امکان صحبت درباره مسائل و مشکلاتمان بسیار کم است، محبت و همدلی در خانواده ما جایی ندارد و من از بیان احساساتم می‌ترسم و ...)،۶ سؤال در حیطه کنترل رفتاری درک‌شده (با وجود سخت‌گیری‌های خانواده و جامعه برای رفع نیازهایم، باز هم از رابطه با جنس مخالف خودداری می‌کنم، من می‌توانم با همکاری و مشورت والدین و معلمانم به رابطه خود با جنس مخالف خاتمه دهم و ...)، ۵ سؤال در حیطه قصد رفتاری (آیا درآینده قصد برقراری رابطه مخفیانه و دوستانه با جنس مخالف را دارید) و ۲ سؤال در حیطه رفتار فرد (من خود از افرادی هستم که به دوستان و همسالانم توصیه می‌کنم که از رابطه با جنس مخالف خودداری کنند) بود. سؤالات حیطه‌های نگرش، هنجار انتزاعی و کنترل رفتاری درک‌شده، با مقیاس لیکرت ۵تایی (کاملاً موافق، موافق، نه موافق–نه مخالف، مخالف، کاملاً مخالف) و سؤالات قصد رفتاری و رفتار با لیکرت ۳ تایی (بلی،۵۰–۵۰، خیر) سنجش شد.

داده‌ها پس از جمع‌آوری در نرم‌افزار SPSS (ویرایش ۲۰) وارد و به‌وسیله آزمون‌های آماری توصیفی، T-Test مستقل، ضریب همبستگی پیرسون، آنالیز واریانس یک‌طرفه و رگرسیون لجستیک در سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ آنالیز

شد.

یافته‌ها

در این مطالعه ۳۹۵ دانش‌آموز دوره دوم دبیرستان بررسی شدند. بالاترین سطح تحصیلات در پدران سیکل (۱۴۵ نفر، ۳۸/۵ درصد) و در مادران ابتدایی (۱۳۹ نفر، ۳۶/۹درصد) بود. شغل پدر آزاد (۱۷۷ نفر، ۴۶/۹٪) و شغل مادر خانه‌دار (۳۰۹ نفر، ۸۲٪) بیشترین فراوانی را داشتند. ۱۲۷ نفر (۳۳/۴٪) فرزند اول خانواده بودند. ۳۰۴ نفر (۷۸/۴٪) به موبایل شخصی، ۲۲۲ نفر (۵۷/۲٪) به اینترنت و ۵۱ نفر (۱۳/۱٪) به ماهواره دسترسی داشتند.

از میان ۳۹۵ دانش‌آموز مورد مطالعه، ۴۳/۹٪ (۱۶۹نفر) از دختران با میانگین زمانی ۷±۱۵ ماه با جنس مخالف رابطه داشتند که از این تعداد ۸۴/۲٪ طول مدت رابطه آنها با جنس مخالف خود، کمتر از یکسال بود و ۱۵/۸٪ نیز بالاتر از ۱۳ ماه رابطه داشتند.آنها نحوه آشنایی خود با جنس مخالف را معرفی دوست (۴۱٪)، موبایل (۲۷/۸٪)، مدرسه (۲۳٪) و مهمانی‌ها (۸/۲٪) اعلام کردند.

همانطور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، در بررسی همبستگی درونی بین سازه‌های تئوری، رابطه معنی‌داری بین کلّیه سازه‌های این مدل در رابطه با جنس مخالف وجود داشت (P<۰/۰۵). به‌منظور تعیین رابطه بین اجزاء مختلف تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده و رابطه با جنس مخالف، از آنالیز رگرسیون لجستیک استفاده شد. نتایج به دست آمده نشان داد که از بین متغیرهای زمینه‌ای: شغل مادر، بعد خانوار، رتبه تولد و وجود ماهواره و دیدن برنامه‌های ماهواره‌ای (جدول ۲) و نیز از بین سازه‌های مدل: نگرش (نگرش مثبت نسبت به رابطه با جنس مخالف) و قصد رفتاری (جدول ۳)، پیش‌بینی‌کننده‌های قوی‌تری در زمینه رابطه با جنس مخالف بودند.

جدول ۱- تعیین همبستگی درونی بین سازه‌های تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده و طول مدت رابطه با جنس مخالف با رابطه با جنس مخالف

		ضریب همبستگی				
سازه های تئوری		باورهای هنجاری	کنترل رفتاری درک‌شده	قصد رفتاری	رفتار	طول مدت رابطه
حیطه نگرش	ضریب همبستگی پیرسون	**۰/۳۴۴	*۰/۱۲۲	**۰,۳۵۱	۰/۰۶۴	**۰/۳۰۲
	سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۲۵	۰/۰۰۰	۰/۲۰۶	۰/۰۰۰
باورهای هنجاری	ضریب همبستگی پیرسون	۱	**۰/۲۵۸	**۰/۱۶۱	۰/۰۲۵	**۰/۱۳۰
	سطح معنی‌داری		۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۶۲۲	۰/۰۰۹
کنترل رفتاری درک‌شده	ضریب همبستگی پیرسون		۱	۰/۰۳۳	۰/۰۳۳	۰/۰۱۱
	سطح معنی‌داری			۰/۵۱۴	۰/۵۱۷	۰/۸۸۲
قصد رفتاری	ضریب همبستگی پیرسون			۱	**۰/۲۷۷	**۰/۵۷۹
	سطح معنی‌داری				۰/۰۰	۰/۰۰۰
رفتار	ضریب همبستگی پیرسون				۱	*۰/۱۱۴
	سطح معنی‌داری					۰/۰۲۳

P≤۰/۰۵* P≤۰/۰۰۱**

جدول۲- آنالیز رگرسیون برای رابطه بین متغیرهای زمینه‌ای و رابطه با جنس مخالف

متغیر	B	SE	OR	P
تحصیلات پدر	۰/۰۶۲	۰/۱۳۸	۱/۰۶۳	۰/۶۵۷
تحصیلات مادر	۰/۱۱۶	۰/۱۴۴	۰/۸۹۱	۰/۴۲۲
شغل پدر	۰/۰۲۳	۰/۰۸۵	۱/۰۲۳	۰/۷۹۰
شغل مادر	۰/۳۷۱	۰/۱۷۴	۰/۶۹۰	*۰/۰۳۳
بعد خانوار	۰/۳۷۵	۰/۱۴۶	۱/۴۲۹	*۰/۰۱۵
رتبه تولد	۰/۲۷۶	۰/۱۲۷	۰/۷۵۹	*۰/۰۳۰
موبایل شخصی	۰/۰۰۴	۰/۱۶۴	۰/۹۹۶	۰/۹۸۲
اینترنت در منزل	۰/۱۰۸	۰/۲۴۱	/۸۹۷	۰/۶۵۳
ماهواره	۰/۸۴۳	۰/۳۳۷	۲/۳۲۳	*۰/۰۱۲

P≤ ۰/۰۵*

جدول۳- آنالیز رگرسیون برای سازه‌های تئوری رفتار برنامه‌ریزی‌شده و رابطه با جنس مخالف

متغیّر	B	SE	OR	P
حیطه نگرش	/۸۳	۰/۰۱۲	۱/۰۸۷	**۰/۰۰۰
باورهای هنجاری	۰/۰۳۶	۰/۰۲۳	۱/۰۳۷	۰/۱۲۲
کنترل رفتاری درک‌شده	۰/۰۷۰	۰/۰۳۶	۰/۹۳۳	۰/۰۵۰
قصد رفتاری	۰/۹۴۹	۰/۱۴۴	/۳۸۷	**۰/۰۰۰
مقدار ثابت	۳/۹۷۳	۰/۸۴۳	۰/۰۱۹	**۰/۰۰۰

P≤۰/۰۵* P≤۰/۰۰۱**

نتایج این مطالعه نشان می دهد که داشتن ماهواره با قصد رابطه با جنس مخالف (P=۰/۰۰۱) و کنترل رفتاری درک شده (P=۰/۰۴۹) رابطه آماری معنی داری دارد. آزمون همبستگی حیطه ها رابطه مثبت و معناداری با مدت رابطه با جنس مخالف را نشان داد (P<۰/۰۲۵) بدین معنی که هرچه طول مدت رابطه افراد کوتاهتر؛ نگرش آنها نسبت به برقراری دوباره و ادامه رابطه با جنس مخالف مثبت تر، (مشکل تر می توانستند به رابطه خود خاتمه دهند) یعنی کنترل رفتاری کمتر، قصد برقرای و پافشاری بر ادامه رابطه بیشتر از سایرین بود.

۲۴۹ نفر (۶۳٪) از دانش آموزان نگرش مثبت، ۱۳۴ نفر (۳۴٪) نگرش متوسط و تنها ۱۲ نفر (۳٪) نگرش کاملاً منفی نسبت به رابطه با جنس مخالف داشتند. آزمون ANOVA رابطه نگرش با شغل پدر (P=۰/۰۱۹) و با شغل مادر (P=۰/۰۲۳) و قصد رفتاری با شغل مادر (P=۰/۰۱۵) را معنی دار نشان داد که بدنبال آن آزمون توکی نشان داد شغل نظامی پدران در مقایسه با مشاغل آزاد و کارمند رابطه معنی دار داشته (P=۰/۰۳۲) و خانه داری با شغل آزاد در مادران درحیطه نگرش (P=۰/۰۱۵) و بین کارمندی و خانه داری مادران در حیطه قصد رفتاری (P=۰/۰۲۶) رابطه معنی داری وجود داشت. باور هنجاری، کنترل رفتاری درک شده، قصد رفتاری و رفتار دانش آموزان با عکس العمل خانواده ها نسبت به رابطه با جنس مخالف (سختگیر با نوع قاطع) معنی دار بود(P<۰/۰۵). بدین صورت که والدین در این خصوص فشار و سختگیری بیش از اندازه ای اعمال کنند، نتیجه کمتری خواهند گرفت. کنترل والدین و نوع تربیت خانواده ها (سختگیرانه در مقایسه با متعادل) با نوع نگرش (P=۰/۰۰۷)، باور هنجاری (P<۰/۰۰۱)، کنترل رفتاری (P=۰/۰۰۷) و قصد رابطه با جنس مخالف (P=۰/۰۳۸) نیز معنی دار بود که اهمیت تربیت خانواده ها از نوع متعادل را در برخورد با

نوجوانان نشان می دهد. از میان دانش آموزان ۷۵/۳٪ آنها قصد برقراری رابطه در آینده را مثبت اعلام نموده که از این میان ۲۵/۳٪ علت آن را ازدواج، ۲۳/۶٪ سختگیری بیش از حد خانواده و ۱۲/۲٪ بی توجهی خانواده نسبت به آنها و نیازهایشان دانسته اند.از طرفی نیز نوع پوشش مطلوب دانش آموزان با نگرش، باورهای هنجاری، قصد رفتاری و رفتار ایشان نسبت به رابطه با جنس مخالف رابطه معنا دار آماری با($P<۰/۰۰۸$) و نیز نقش مذهب در خانواده ها نیز ارتباط معنادار آماری با نگرش و باورهای هنجاری ایشان به ترتیب ($P=۰/۰۰۰$) و ($P=۰/۰۴$) دارد.

بحث

این مطالعه با هدف پیش بینی عوامل موثر بر رابطه با جنس مخالف بود که نشان داد نگرش دانش آموز و قصد وی برای برقراری ارتباط با غیر همجنس خود به دلایل متعدد پیش بینی کننده هایی بسیار قوی در این خصوص هستند که با سایر مطالعاتی که این تئوری را در مورد سایر رفتارهای پرخطر در این سنین به کار برده بودند کاملاً همخوانی داشت(۳و۱۰). این نتیجه بیانگر این مطلب است که برای تغییر در اینگونه رفتارهای پرخطر، مداخله های مبتنی بر تغییر نگرش و قصد افراد می توانند بسیار موثر باشند، چرا که انسانها در این دوران بیشترین تغییرپذیری را در پی کسب استقلال و سایر جنبه های اجتماعی شدن از خود بروز می دهند. بنابراین می توان از این امر به نفع اعمال رفتارهای مثبت سود جست. همچنین نتایج مطالعه نشان داد که کنترل رفتاری درک شده پیش گویی کننده ای مناسب برای این رفتار بود هرچند نسبت به سایر مطالعات اثر ضعیف تری داشت (۳و۱۰). در هر صورت از آنجاییکه این سازه نیز یکی از موارد درون فردی است باز هم می توان در جهت سوق دادن افراد و هم سو سازی رفتارها در جهت هنجارهای خانوادگی- اجتماعی بهره برد. قابل ذکر است که عدم معنی داری اثر پیش گویی کنندگی سازه هنجارهای انتزاعی نه به معنای نادیده گرفتن نقش افراد در رابطه با اینگونه مسائل است؛ شاید بدین معنی باشد که خانواده ها و سایرین نسبت به گروه همسالان از منظری دیگر و به گونه ای نه چندان متناسب اعمال نظر کرده و به نوعی این فشارهای اجتماعی خود نوعی مقاومت در ایشان را به وجود آورده است. اما با این وجود نیاز به تحقیقات بیشتری در این خصوص می باشد. از دیگر اهداف این مطالعه سنجش سازه های مختلف تئوری رفتار برنامه ریزی شده از جمله نگرش دانش آموزان و نگرش اطرافیان آنها از منظر دانش آموزان (هنجارهای انتزاعی) نسبت به رابطه با جنس مخالف بود. در این خصوص نتایج این پژوهش نشان داد درصد قابل توجهی از دختران نسبت به اینگونه روابط دیدگاه مثبتی دارند که همسو با یافته های سایرین که در خصوص عوامل موثر بر رابطه جنس مخالف انجام شده، است (۱۱،۷،۶،۲). میزان مدت رابطه ی دانش آموزان با میانگین۷±۱۵ ماه با جنس مخالف نشان از بروز هر چه بیشتر این پدیده در سنین پایین تر دارد که زنگ هشداری است برای متولیان امر و با توجه به نتایجی که از قصد و انگیزه دانش آموزان از برقراری رابطه عنوان شد نشان می دهد برخلاف انتظار در دانش آموزان دختر نیز هدف اولیه برقراری رابطه تنها ازدواج نیست و تربیت خانواده ها به صورت اصولی و قاطع بسیار نتیجه بخش تر از دو نوع دیگر است که این یافته ها با مطالعات سایرین همسو بوده است (۳،۲،۱۱،۱۲).

خلج آبادی و سیدان نیز همچون مطالعه حاضر رابطه معناداری در افرادیکه والدینشان از نظر اقتصادی وضع بهتری داشته و نگرش سهل گیرانه تری در خصوص رابطه با جنس مخالف داشته اند را یافته اند (۷ ،۱۲). شیوه فرزند پروری مستبد و سختگیرانه رابطه معناداری در رابطه با جنس مخالف دارد که با یافته ها نوابی همسو بود اما در مورد شیوه مسامحه کار و آسان گیر ناهمسو با یافته های وی بود که شاید این عدم همسویی ناشی از تفاوت فرهنگی نواحی مورد مطالعه باشد (۱۱). دینداری خانواده و جهت گیری مذهبی، گرایش به

نوع حجاب رابطه معناداری با رابطه با جنس مخالف داشت. بنابراین هر قدر دختران از سبک زندگی مدرن تری برخوردار بوده، دارای سطوح بالاتر اقتصادی و سطوح پایین تری از ارزش ها، اعتقادات و پایبندی دینی باشند، نگرش مثبت تری نسبت به رابطه با جنس مخالف دارند که با مطالعه سایر پژوهش ها همسو بود (۱۲،۷،۶،۲). جهانی شدن و فرایندهای مدرنیسم با تحت تأثیر قراردادن فرهنگ، ارزش ها و نگرش های افراد و تأثیر بر نوع مبادله ایده ها در سراسر دنیا موجب تغییر رفتار افراد شده و توسعه اقتصادی – اجتماعی افراد سبب ساز تغییر در فرهنگ به افزایش سطح تحصیلات، تغییر نقش ها و حضور پررنگ تر دختران و زنان در اجتماع، درآمد، هنجارها و ... شده است (۱۲). از طرف دیگر ۴۱٪ دختران نحوه آشنایی خود با جنس مخالفشان را معرفی دوست عنوان کرده و ۲۳٪ نیز در راه مدرسه ارتباط برقرار کرده بودند. ازین رو همچنانکه با افزایش سن منابع جامعه پذیری توسعه می یابد؛ علاوه بر تاثیر خانواده در شکل گیری نگرش های افراد، از تاثیر دوستان و همسالان در این خصوص نباید غافل شد که بی ارتباط با عدم معنی داری سازه هنجار انتزاعی در پیش گویی رابطه با جنس مخالف در دختران نبود. همچنین با درونی کردن ارزشهای اجتماعی با استفاده از نهادهای دینی، تربیتی و ایجاد محیطی گرم و صمیمی و منسجم بین افراد خانواده در کاهش بحرانهای بلوغ و ارتباطات زود و نابهنگام جنسی و سلامت روان فرزندان می توان بسیار مؤثر واقع شد. چراکه بسیاری از پژوهش ها همچون مطالعه حاضر نشان داده که کار بر روی نگرش و بالطبع کنترل رفتاری و قصد افراد از طریق افزایش اعتقادات و تقیدات مذهبی– دینی و روابط عاطفی در خانواده ها می تواند به عنوان مانعی بزرگ در برابر انحرافات اخلاقی اقشار مختلف جامعه بخصوص جوانان عمل کند. زیرا در این حالت فرزندان این خانواده ها بدون هیچگونه جبر و تقلید به همراه فرصت کشف و جستجو و پاسخ مناسب والدین در برابر سؤالات مطرح شده از سوی آنها، در مسیر درونی شدن ارزشهای فرهنگی – مذهبی هدایت می شوند (۶).

نتیجه‌گیری

نتایج مطالعه حاضر نشان داد که تئوری رفتار برنامه ریزی شده پیش بینی کننده خوبی برای رفتار رابطه با جنس مخالف می باشد؛ لذا استفاده از این تئوری در برنامه ریزی به منظور پیشگیری از رابطه با جنس مخالف و بالطبع آثار و پیامدهای آن در نوجوان می تواند به طور مؤثری به کار گرفته شود. بنابراین می طلبد که ارگانهای دخیل و متولی امر بخصوص آموزش و پرورش با همکاری مراکز تحقیقاتی، مشاوره و روانشناسی از بی طرفی و نادیده انگاشتن واقعیات موجود دست برداشته و در این امر مهم قدم بردارد و نا آگاهی ها و کاستی های خانواده ها را با آموزش به کارکنان، والدین و دانش آموزان تقلیل داده تا مشکلات ناشی از اینگونه مسائل به حداقل ممکن برسد.

نظر به اینکه تجارب رابطه با جنس مخالف قبل ازدواج دیگر تنها به قصد ازدواج و تشکیل خانواده مطرح نیست و بدانگونه که در جامعه با افزایش روزافزون آمار خیانت، طلاق و از هم گسیختگی خانواده ها روبرو هستیم پیشنهاد می شود اقدامات فرهنگی در خور و مناسبی از ابتدای دوران بلوغ و بروز هیجانات این دوران جهت بازگرداندن خانواده ها به شأن و منزلت اصلی خود انجام گیرد. در این راستا والدین، معلمان و رسانه ها می توانند نقشی بسزا ایفا نمایند. همچنین پیشنهاد می شود که مطالعات بیشتری در خصوص رابطه با غیر همجنس در نوجوانان و جوانان مبتنی بر مدلهای آموزشی صورت پذیرد تا هر چه بهتر و دقیقتر در بازشناسی و حل این بحران کمک نماید.

تقدیر و تشکر

این مقاله برگرفته از طرح پژوهشی با کد ۲۸/ ۹۴ و کد اخلاقی ir.bums1394.338 می باشد. نویسندگان مراتب تقدیر و امتنان خود را از معاونت تحقیقات و فن آوری دانشگاه

علوم پزشکی بیرجند بخاطر حمایت مالی و مسئولین مدارس دارند.
و مربیانی که ما را در اجرای این طرح یاری نمودند ابراز می

منابع:

1- Ahangrzadeh Rezaei S, Khalilzadeh H. Enhancing management of mothers during adolescence of their daughters in guidance schools of Urmia. J Urmia Nurs Midwifery Fac. 2011; 9(6): 417-23. [Persian]

2- Barghamadi H, Mirzaie K. Relationships with Opposite Sex and the Factors Effecting on these relations. Social Welfare. 2009; 9(34): 131-58. [Persian]

3- Mohammadi Zeidi E, Pakpour Haji Agha A. Effectiveness of an educational intervention based on theory of planned behavior to reduce intentions to smoke among secondary school students. J Research Health. 2013; 3(4): 504-13.

4- Fallah S,Yeganeh T, Ghafari T. Investigated the relationship between Feeling lonely and tendency to addiction and relationship with the opposite sex in adolescents. Tabriz University of Medical Sciences. 6th International Congress on Child and Adolescent Psychiatry; 17-19 september 2013; Tabriz University of Medical Sciences, Faculty of Medicine . [Persian]

5- Fathi M, Fekazad H, Ghaffary G, Bolhari J. Recognizing the Fundamental Factors of Married Men Engaged in Marital Infidelity. Social Welfare. 2014; 13(51): 109-31. [Persian]

6- Dehqan Tanha R, Ayati M, Shahabizadeh F. Family's Function and Religious Orientation; Presenting Models of Attitude towards Pre-marriage Relationship and Its Consequences on University Students with and without Relationship with Opposite Sex. Ravanshenasi Va Din. 2013; 6(3): 81-95. [Persian]

7- Khalajabadi Farahani F, Mehyar AH. The Role of Family in Premarital Heterosexual Relationships among Female University Students in Tehran. Journal of Family Research. 2011;6(4): 449-68. [Persian]

8- Zadeh Mohammadi A, Ahmad abadi Z. Risk-taking Behaviors among Adolescents:the Strategies to Prediction Crimes Commitment. Journal of Family Research. 2009; 5(4): 467-85. [Persian]

9- Mazloomy Mahmoodabad SS, Norouzi S, Norouzi A, Hajizadeh A, Zare A. Effect Of Health Belief Model In Adopting Prevention And Control Of Health Behaviors During Puberty High School Students in Ardakan City. Tolooe Behdasht. 2013; 12(1): 56-66. [Persian]

10- Seyedan F, Najafinejad N. S“An Investigation of the effective elements upon the girls’attitudes toward relationship with opposite sex ”. Journal of Social Sciences. 2012; 9(1): 89-119. [Persian]

11- Bashirian S, Hidarnia A, Allahverdi Pour H, Hajizadeh E. Application of Theory of Planned Behavior in Predicting Factors of Substance Abuse in Adolescents. J Fasa Univ Med Sci. 2012; 2(3): 156-62. [Persian]

12- Navabi T, Farazi Z, Keyvankar M. Stemming the spread of early relationship with the opposite sex due to the components of parenting practices. 6th International Congress on Child and Adolescent Psychiatry; 17-19 september 2013; Tabriz University of Medical Sciences, Faculty of Medicine . [Persian]